

روند توسعه در سوئد - بخش دهم

# توسعه اجتماعی و نهادهای مدنی؛ از حاشیه تا متن



محسن نجات حسینی - سوئد  
contactmnh@yahoo.com

کشور سوئد در اوایل قرن بیستم در زمره فقیرترین کشورهای اروپایی بوده است. اکنون بر اساس آمار بین المللی و ارزیابی سازمان های بی طرف، یکی از پیشرفته ترین کشورهای صنعتی جهان بوده و مردم آن از بالاترین سطح رفاه زندگی برخوردارند. این دگرگونی نتیجه مبارزات درازمدت جنبش کارگری و سندیکایی و نیز سیاستگذاری سوسیال دموکراسی در این کشور است. این نیروها توانسته اند آزادی، برابری و عدالت اجتماعی را در این کشور نهادینه کرده و راه رشد و پیشرفت جامعه را هموار کنند. هدف از این نوشته نگاهی درونی به روابط و مناسبات جاری در سوئد و شناخت عواملی است که آن جامعه را به سوی پیشرفت سوق داده است.

---

چندی پیش در یک برنامه اجتماعی تلویزیونی سوئد تعدادی از افرادی را که دارای معلولیت های بسیار دشوار هستند به یک گفت و گوی تلویزیونی دعوت کرده بودند تا پیرامون نیازمندی های آنها گفت و گو شود. موضوع اصلی این بحث این بود که افراد ناتوان، مثلاً کسی که تمام بدنش فلج است یا افراد عقب افتاده ذهنی، چگونه به نیاز طبیعی جنسی خود پاسخ می دهند. وقتی معلولان شرکت کنند در این برنامه احساس خود را پیرامون روابط جنسی بیان می کردند برای بسیاری از بینندگان شگفت آور بود. وقتی معلولی فاقد هرگونه حرکتی است و تنها زبان و چشم او حرکت می کند، صحبت از نیاز جنسی برای او شاید عجیب به نظر برسد. اما آنچه در این برنامه از زبان خود معلولان برملا شد این بود که احساس و نیاز غریزی جنسی نزد بسیاری از آنها مانند افراد سالم وجود دارد و عدم پاسخ به آن بر رنج آنها می افزاید. این برنامه از موضوعی پرده برمی داشت که جامعه از آن بی خبر بود.

هدف این برنامه برملا کردن احساس و نیاز افراد شدیداً معلول بود؛ چیزی که جامعه به آن نمی اندیشد. به همین خاطر به رغم خدمات گسترده اجتماعی برای معلولان، کسی به مساله نیازهای جنسی آنها به طور جدی رسیدگی نکرده است. این گفتمان های علنی و تلویزیونی وظایف جدیدی را بر دوش مسولان اجتماعی می گذارد تا با ایجاد راهکارهای جدید در مراکز نگهداری از این معلولان به مساله جنسی آنان نیز توجه شود. بر اساس اظهاراتی که معلولان در این برنامه ارائه می دادند همیشه نیاز جنسی به معنای نیاز به آمیزش جنسی نیست. در شرایطی که بیمار فاقد هرگونه حرکتی است تنها لمس دست جنس مخالف یا گرفتن بوسه یی می تواند فرد معلول را اذیت کند.

## نهادهای دولتی به جای موسسات خیریه

در یک جامعه مدنی امروزی دولت از راه گرفتن مالیات ها در خدمت همه اقشار مردم از جمله نیازمندان و معلولان قرار می گیرد. در عرف عمومی جامعه سوئد کمک به نیازمندان، یک حق اجتماعی آنهاست که به صورت قانون متبلور شده است. در این کشور، کمک های اجتماعی به عنوان یک وظیفه قانونی است که جامعه بر دوش نمایندگان مردم یعنی دولت و نهادهای دولتی قرار داده است. مردم از درآمد خود مالیات می پردازند. بخشی از همین مالیات ها صرف کمک به کسانی می شود که به هر



دلیلی قادر به تامین زندگی خود نیستند.

هر گاه فردی مجبور باشد دست نیاز به سوی دیگران دراز کند یا از خیرات و صدقه دیگران امرار معاش کند، شخصیت آن فرد آسیب می بیند؛ به خود بی اعتماد می شود و توان اتکا به خود را از دست می دهد. چنین فردی در نگاه دیگران سربار جامعه به حساب می آید و مورد آزار روانی قرار می گیرد. این شرایط باعث می شود فرد نیازمند، به جای آنکه مورد حمایت قرار گیرد و برای فعال بودن در جامعه آماده شود، مورد تحقیر قرار گرفته و در نگرانی و نوسیدی فرو افتد. چه بسا برخی از این افراد به خاطر فشارهای روانی و مادی که بر آنها وارد می آید به عنصری زیانبار برای جامعه تبدیل شوند.

از این رو یاری دادن به نیازمندان نباید به وسیله مردم و از راه احساس ترحم به آنها باشد. بر خلاف جوامع عقب افتاده که نیازمندان به حاشیه های فراموش شده جامعه رانده می شوند در سوئد در مرکز توجه ادارات خدمات اجتماعی قرار می گیرند. یک فرد نیازمند و ناتوان به خود حق می دهد در صورت کوتاهی در خدمت رسانی به او، از نهادهای مسوول به دادگاه شکایت کند.

بنابراین هیچ نیازمندی به خاطر دریافت خدماتی که به آنها نیاز دارد، مدیون لطف و محبت این یا آن فرد یا انجمن خیریه و کلیسا قرار نمی گیرد و لازم نیست در ازای کمکی که دریافت می کند دعاگوی کسی باشد. وقتی قانون به همه شهروندان حق یک زندگی معمولی و راحت را می دهد، نیازمندان نیز مانند همه شهروندان دیگر، غرور و استقلال فردی خود را حفظ خواهند کرد.

## ترویج انسان دوستی

رسیدگی به نیازهای معلولان و برخورد احترام آمیز نسبت به افرادی که به دلایل گوناگون از توانمندی طبیعی محروم شده اند و هیچ گونه بازدهی اقتصادی برای جامعه ندارند، به ترویج روحیه انسان دوستی در جامعه و احترام به حقوق همه انسان ها کمک می کند. آنگاه در فضایی خالی از تشنج، همه می توانند با آسایش خاطر زندگی کنند و از خوبی های آن لذت ببرند.

قوانین کمک به معلولان و نیازمندان که در جوامع مدنی رایج است، شاخص احترام جامعه به حیثیت و جان همه افراد جامعه است. یاری رساندن به یک انسان ناتوان دارای پیام انسان دوستی است. این احساس کمک به دیگران، از گزینه انسان دوستی آدم ها سرچشمه می گیرد. نشان می دهد انسان ها در حالت طبیعی خود، یکدیگر را دوست دارند. هر گاه فردی مورد سرزنش، تحقیر، خرد کردن شخصیت، شکنجه جسمی یا روانی، مجازات های خشونت آمیز و به ویژه اعدام واقع شود، تنها آن فرد نیست که مورد

اهانت قرار گرفته است. واکنش های خشن نسبت به یک انسان، توهین به همه انسان هاست و همه جامعه انسانی را تهدید می کند. کاربرد خشونت علیه یک انسان، به هر دلیلی که باشد، از ارزش شخصیت و جان انسان ها می کاهد و راه را برای تجاوز به حقوق همه انسان ها هموارتر می کند. هرگاه تحقیر، شکنجه و نابودی جان افراد، به نام قانون انجام شود، آسیب اجتماعی آن دوچندان می شود. کار خشنی که به نام قانون انجام می گیرد، به مثابه خواست و عملکرد همه افراد جامعه است. قوانین خشن، به گسترش خشونت در جامعه خواهد انجامید و جامعه را از دوستی، مهربانی و انسانیت تهی می کند و بی رحمی و شقاوت را در آن رایج خواهد کرد.

قوانین انسان دوستانه رایج در جامعه سوئد، که با خواست و اراده مردم تدوین شده است، باعث پیشگیری از بسیاری نارسایی های اجتماعی شده و رفاه و آسایش را گسترش می دهد. در این کشور که معلولان مورد توجه جامعه و دولت هستند، در بسیاری موارد، توانبخشی معلولان نتیجه بخش بوده و از آنها انسان های مفیدی برای جامعه می سازد که به نوبه خود به رشد و پیشرفت جامعه کمک می کنند. هزینه کردن برای خدمات درمانی و توانبخشی معلولان، ضمن اینکه یک عمل انسانی و بشردوستانه است، در بخش هایی از جامعه نیز به ایجاد اشتغال کمک می کند.

ارائه خدمات انسان دوستانه تنها در یک جامعه برخوردار از دموکراسی و آزادی، امکان پذیر است زیرا در چنین جوامعی، دولت مورد اعتماد و حمایت مردم بوده و از راه کسب مالیات ها توان خدمات گسترده رفاهی از جمله کمک به نیازمندان و معلولان را دارد. در جوامع غیردموکراتیک، که حقوق و آزادی های مردم مورد تجاوز قرار می گیرد، بخش های بزرگی از شهروندان، مانند زنان یا اقلیت های قومی و مذهبی از حقوق اجتماعی خود محرومند.

در چنین جوامعی که بخش عظیمی از نیروی کارآمد جامعه، عقیم مانده است، جایی برای رسیدگی به حقوق بیماران و معلولان نیست. حتی اگر دولت با انگیزه نیکوکاری بخواهد به داد درماندگان برسد، به خاطر جو بی اعتمادی و قانون گریزی، توان مالی برای انجام چنین کاری را ندارد.

فاشیست های آلمان، افراد معلول و بیمار را به عنوان سربار جامعه مورد تهدید و نابودی قرار دادند و برخی از آنها را قربانی این بینش ضدانسانی خود کردند. چنین سیاست هایی جامعه آلمان را از وارستگی های انسانی تهی کرد و توده هایی از مردم را به اعمال خشونت باری کشاند که عواقب آن همچنان بر دوش نسل های پس از آن دوران سنگینی می کند.

در جامعه یی که انتقامجویی جای مهربانی و گذشت را گرفته باشد فضای زندگی عموم مردم نیز آکنده از سوءظن، نوسیدی، ترس و وحشت است که به نوبه خود آسایش و آرامش را از جامعه برخواهد گرفت.

## در سوئد کلفت و نوکر وجود ندارد

در سوئد زندگی همه مردم آنگذر تامین است که کسی نیاز به بردگی یا به عبارت دیگر به نوکر یا کلفت بودن ندارد. همان طور که قبلاً گفته شد، دولت و نهادهای دولتی مسوول تامین رفاه و آسایش همه شهروندان هستند. در این کشور بیگاری کردن، نوکری و کلفتی از سال ها پیش منسوخ شده است. از بالاترین مقامات کشور تا پایین ترین افراد آن معمولاً کار پخت و پز و نظافت خانه و رسیدگی به بچه ها را خودشان انجام می دهند. اگر هم نیازی به کمک باشد کارگر می گیرند. حقوق کارگر و مزایای اجتماعی او دارای ضوابطی است که قانون تعیین کرده است و همه ساله مانند حقوق